

آخرین نقش

زندگی هنرمند شهید مجید فریدفر
از زبان پدر و همسر

سارا طالبی



مقدمه

مجید یک هنرمند بود؛ از کودکی آکروبات می کرد، فیلم بازی می کرد، موسیقی می نواخت، اما از همه بهتر، هنر خوب زندگی کردن را بلد بود. هنر مهربانی کردن، هنر خوب بودن و دوست داشتن، هنر مصمم بودن و محکم ایستادن و از همه مهم تر هنر بندگی کردن و دلسپردن و در راه اعتقاد و عشق جان دادن. او در صحنه‌ی نمایش شگفتی خلق می کرد اما می دانست صحنه‌ی زندگی ورای خلق شگفتی و تحسین مردم است. او رضایت خالقش را می خواست و خدا زیباترین مرگ را که سراسر زندگانی است، به او هدیه کرد تا سراسر، تحسین پروردگار باشد. مجید از خاک صحنه بلند شد و در خاک وطنش تپید و این دیگر

یک نمایش نبود، بلکه زیباترین ترسیم تصویر زندگی اش از جانب خدا بود تا یاد و نامش تا ابد، در صحنه‌ی روزگار نقش ببندد و طنین لحظات ناب زندگی اش، زیباترین نواها و موسیقی های جهان را به تسلیم وادار کند. خاطرات پدر و دل نوشته های همسر، شاید بتواند پرده ای کوتاه از روح بزرگ مجید را نمایش بدهد. آری! به راستی که شهادت، زینده ترین صفت بهترین مخلوقات پروردگار است و مجید، یک هنرمند بود؛ یک هنرمند شهید....